

مردان آسمانی و زنان زمینی

حسن لطفی، نویسنده و منتقد سینما

نظر دادن درباره بعضی از فیلم‌ها با یکبار تماشا کردن ساده نیست. شهرک از این فیلم‌ها است. هرچند پیچیدگی داستانی ندارد و ایده خوبش در همان نگاه اول مشخص است اما برای آنکه بدانیم حرکتش روی لبه فیلم را به کدام سمت انداخته حداقل برای من نیازمند تماشای دوباره فیلم در زمان و شرایطی غیر از جشنواره است. آنوقت بهتر می‌توانم از تردیدهایی بنویسم که شخصیت اصلی فیلم (با بازی خوب ساعد سهیلی) گرفتارش شده، تردیدهایی که از فیلم بیرون می‌آید و به جان بیننده‌ای همچون من می‌افتد.

آنوقت راحت‌تر می‌توانم از رمز و رازی بگویم که داستان فیلم بنا می‌کند، از حرکت در دنیایی حرف بزنم که واقعیت و خیال شانه به شانه هم راه می‌روند و گاهی وقتها طوری به هم نزدیک می‌شوند که تشخیصشان ساده نیست. از دنیایی بگویم که سینما از سینما می‌سازد. از بازی در بازی‌ای روایت کنم که بنا دارد مرز شکننده رویا و حقیقت را بشکند. از لایه‌های پنهان و زیرمتن‌هایی بنویسم که... بهتر است بعد از تماشای دوباره دومین فیلم علی حضرتی درباره آن بیشتر نوشت.

البته شاید قبل از اکران عمومی فیلم اتفاق دیگری رخ بدهد که بیشتر از این فیلم بگویم؛ اتفاقی که گمان نمی‌کنم شخصی باشد. شاید شما هم تجربه‌اش کرده باشید. بعضی از فیلم‌ها به مرور در ذهن آدم جا باز می‌کنند و خودشان را بیشتر نشان می‌دهند. تبدیل به موجودی زنده می‌شوند که رشد می‌کنند و قد می‌کشند. شهرک قابلیت دارد به چنین فیلمی تبدیل شود. بعضی فیلم‌ها نیاز به تهنشین شدن در وجود آدم دارند. برخلاف شهرک، [فیلم ۲۸۸۸](#) کار مشترک کیوان علی محمدی و علی‌اکبر حیدری تکلیفش را انتهای فیلم مشخص می‌کند (شاید هم این‌طور به نظر می‌رسد!) طرفداران و منتقدانش خیلی سریع موضع‌گیری می‌کنند.

به دلیل تکیه بر فرم بصری و نداشتن داستانی از جنس قصه‌های شهرزادی (از آن نوع قصه‌ها که حس انتظارش از دل پرسش بعدش چه خواهد شد بیرون می‌آید) به دل‌خیزی‌ها نمی‌نشیند. خیلی‌ها که من توی لیستشان نیستم. برای من فیلم ۲۸۸۸ فیلم شریف و جذابی است که سازندگانش احترام به مردان و زنانی را به شکلی کاملاً بصری و خلاقانه به تصویر کشیده‌اند. فیلم روایت موجزی از ۲۸۸۸ روز جنگ، دفاع، شجاعت، ترس، عشق، دلهره، تنهایی، سختی، ویرانی، نکبت،

ایثار، رفاقت و... است. روزهایی که مردانی آسمانی، عشق‌های زمینی خود را تنها گذاشتند و نشسته درون هواپیماهای جنگی پرواز کردند. فیلم از این پرواز و تنهایی روایت متفاوتی دارد. قهرمانی اگر هست همانند قهرمانان فیلم‌هایی مثل عقاب‌ها نیست. تصویر شجاعتش در آسمان تنها در کابین هواپیمایی است که او را در خود زندانی کرده و گلوله‌های دشمن که به قصد نابودی او و هواپیمایش شلیک شده در فضای پیرامونش در خلأ یکی بعد از دیگری منفجر می‌شود. سقوط و شهادتی هم اگر هست در بیرون تصویر است. به دیده بیننده نمی‌آید، اما با موقعیتی که با حرف‌ها و صداها فراهم شده در ذهن بیننده شکل می‌گیرد. البته در خانه و در دنیایی که بخشیش روایتگر تنهایی زنان زمینی است تصاویر تکمیل‌تر است. تنهایی زنان، عشق‌شان، تردیدها، ترس و زنانگی‌شان در قاب‌هایی تصویر می‌شود که گاهی آینه‌ها تکمیل‌تر یا وسیع‌ترش می‌کند. زنان و مردان فیلم ۲۸۸۸ گذرا و عبوری هستند اما در همین لحظه‌های کوتاه، قابل احترام و در یاد ماندنی هستند و بیننده‌ای با سلیقه من از تماشای آنها با چنین فیلمی حس خوبی دارد.